



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

زاد آخرت

ابوحامد محمد غزالی

تصحیح و تحقیق

سلمان ساکت / ملیحه گزی مارشک



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

زاد آخرت

ابوحامد محمد غزالی

تصحیح و تحقیق

دکتر سامان ساکت

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

ملیحه گزی مارشک



نشر ادبیات

زاد آخرت

ابوحامد محمد غزالی

تصحیح و تحقیق:

سلمان ساکت (عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)
ملیحه گزی مارشک

ناشر: نشر ادبیات
امور هنری: استودیو "دفتر مرکزی"
چاپ و صحافی: چاپخانه بوستان کتاب
نوبت و تاریخ چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۸
شمارگان: ۳۰۰ نسخه قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۱۲-۸-۲

حق چاپ و انتشار مخصوص و محفوظ نشر ادبیات است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کمی از نشر ادبیات ممنوع است

قم، خیابان دورشهر، خیابان سمیه، پلاک ۱۵
کتابخانه تخصصی ادبیات
کدپستی: ۳۷۱۵۸ / ۱۵۹۳۱
تلفن و نمابر: ۰۲۵ + ۳۷۷۳۲۰۱۱-۱۲

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، شماره ۳۳، پخش دوستان

مرکز فروش

تهران: خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دانشگاه، کتابفروشی توس

تقديم به دو غزالی پڑوه معاصر

استاد زنده ياد علامه سيّد جلال الدين همایي و استاد دڪتر نصرالله پورجوادی

فهرست

پیشگفتار.....	سیزده
مقدمه مصححان.....	هفده
غزالی و آثارش.....	هفده
زاد آخرت.....	نوزده
مآخذ غزالی.....	بیست و یک
چاپ های زاد آخرت.....	بیست و دو
۱. چاپ های سنگی.....	بیست و دو
۲. چاپ اورنگ.....	بیست و سه
معرفی دست نویس های زاد آخرت.....	چهل و چهار
معرفی نسخ مورد استفاده در تصحیح حاضر.....	شصت
۱. نسخه مؤرخ ۷۴۵ ق. کتابخانه ملی پاریس (نسخه اساس).....	شصت
۲. نسخه مجموعه شماره ۴۷۹۲ در کتابخانه ایا صوفیا (استانبول).....	شصت و شش
۳. دست نویس شماره ۵۵۵۲ مجلس شورای اسلامی.....	هفتاد و سه
۴. دست نویس شماره ۱۶۰۵ کتابخانه علامه طباطبائی شیراز.....	هفتاد و پنج
۵. دست نویس شماره ۹۴ کتابخانه آستان حضرت معصومه (س) در قم.....	هشتاد
۶. دست نویس شماره ۱۶۱۶۵/۳۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.....	هشتاد و یک
ویژگی های سبکی.....	هشتاد و دو
۱. افعال.....	هشتاد و دو
۲. جابجایی در اجزای جمله.....	هشتاد و چهار
۳. واژه ها و ترکیبات.....	هشتاد و پنج
۴. صفت و قید.....	هشتاد و شش

۵. برخی از ویژگی های دیگر که عمومیت ندارد.....	هشتادوشش
۶. حذف.....	هشتادوهفت
۷. معانی حروف.....	هشتادوهشت
۸. کاربرد دو حرف اضافه.....	نود
شیوه تصحیح.....	نودویک
زاد آخرت.....	۱۰۰
پیدا کردن معنی کلمه لا اله الا الله که ایمان بدان درست شود.....	۵۰
تنزیه.....	۶۰
قدرت.....	۷۰
علم.....	۷۰
ارادت.....	۸۰
سمع وبصر.....	۸۰
کلام.....	۹۰
افعال.....	۱۰۰
آخرت.....	۱۱۰
قسم اول: در طاعت داشتن فرمان حق تعالی.....	۱۵۰
آداب وضو.....	۲۰۰
آداب غسل.....	۲۴۰
آداب تیمم.....	۲۶۰
آداب به مسجد شدن.....	۲۷۰
آداب به مسجد شدن تا آفتاب برآمدن.....	۲۸۰
آداب وقت برآمدن آفتاب تا وقت زوال.....	۳۳۰
آداب ساز کردن دیگر نمازها.....	۳۷۰
آداب نماز.....	۴۵۰
آداب امامت و اقتدا.....	۵۲۰
آداب نماز آدینه.....	۵۴۰
آداب روزه.....	۵۹۰
قسم دوم: پیدا کردن معاصی.....	۶۳۰
پیدا کردن معصیت دل.....	۸۰۰
آداب صحبت با خلائق.....	۹۵۰

فهرست / نه

آداب عالم	۹۷
آداب صحبت	۱۰۴
آداب آشنایان	۱۰۷
تعلیقات	۱۱۷
فهرست ها	۱۵۷
آیات	۱۵۹
احادیث عربی	۱۶۰
ترجمه احادیث	۱۶۱
واژه ها و ترکیبات	۱۶۳
اصطلاحات	۱۶۷
مثل ها و مثل واره ها	۱۷۱
اقوال	۱۷۲
کتاب ها	۱۷۳
اشخاص	۱۷۴
عبارات خاص عربی	۱۷۵
منابع و مأخذ	۱۷۷

نشانه‌ها و رمزها

A: نسخه کتابخانه ملی پاریس (= نسخه اساس)

B: نسخه کتابخانه ایاصوفیا

D: نسخه اول کتابخانه مجلس شورای اسلامی

F: نسخه کتابخانه علامه طباطبائی

H: نسخه کتابخانه آستان حضرت معصومه (س)

K: نسخه دوم کتابخانه مجلس شورای اسلامی

رک: رجوع کنید به

م: متوفی (= درگذشته)

[]: افزوده‌ایم

+: اضافه دارد

-: ندارد

(!): به نظر ما نادرست است.

(؟): آیا چنین است، محل تأمل است.

پیشگفتار

تصحیح کتاب *زاد آخرت* که اکنون پیش روی شماست، راهی پرفراز و فرود پیموده است. آغاز آن حدود یک دهه پیش و در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود؛ روزی که برای مشورت به استاد دکتر علی‌اشرف صادقی مراجعه کردم و ایشان با کمی تأمل، تصحیح *کیمیای سعادت* را برای رساله دکتری پیشنهاد دادند. طبیعی بود که نتوانم تعجب و شگفتی خود را پنهان کنم، از این رو تردیدم را نسبت به این پیشنهاد به سبب وجود دو تصحیح مشهور از آن - تصحیح زنده‌یادان احمد آرام و حسین خدیو جم - بازگفتم و ایشان در پاسخ، گوشه‌ای از کاستی‌های آنها را برشمردند و تصحیح دوباره کتاب را ضروری دانستند. اما هنوز به اطمینان قلبی نرسیده بودم و هرچند به اشراف کم‌نظیر و داوری‌های دقیق استاد باور داشتم، نام آن دو زنده‌یاد دست و دلم را می‌لرزاند. یکی دو روز بعد، آن پیشنهاد را با استادان بزرگوار، دکتر محمود عابدی و دکتر شفیع کدکنی مطرح کردم و هر دو بر سختگی و استواری پیشنهاد مهر تأیید زدند و بر بایستگی تصحیح دوباره *کیمیای سعادت* تأکید نمودند و مرا به انجام آن تشویق کردند. از آن روز تا امروز، غزالی و هرچه با او آثارش، بویژه آثار و رساله‌هایش به زبان فارسی پیوند می‌گیرد، ذهن و ضمیر مرا به خود مشغول کرده و بخش مهمی از دغدغه‌های علمی و پژوهشی من بوده است.

همان روزها نام «زاد آخرت» را در فهرست آثار فارسی غزالی دیدم، اما گمان نمی‌کردم نسخه‌ای از آن در گوشه و کنار کتابخانه یا مجموعه‌ای باقی مانده باشد، چه رسد که تصحیح و منتشر شده باشد. اما خیلی زود دریافتم که به‌رغم آنکه عبدالرحمن بدوی تنها دو نسخه ناقص از آن معرفی کرده است، دستنویس‌های نسبتاً زیادی از آن در کتابخانه‌های ایران و جهان به جا مانده و حتی در سال ۱۳۵۲ ش. در ایران چاپ و منتشر شده است. به دشواری کتاب را به دست آوردم و به خواندنش مشغول شدم تا زبان و نحو و دایره واژگانی غزالی را در این اثربشناسم و در تصحیح *کیمیای سعادت* از آن بهره گیرم. اما دیدم که

تصحیح قابل قبولی ارائه نشده و نمی‌توان به آن اتکا کرد. لذا بر آن شدم تا با شناسایی و گردآوری نسخ خطی *زاد آخرت*، مقدمات تصحیح کتاب را فراهم آورم و آن را که یکی از معدود آثار فارسی غزالی است، به شیوه‌ای آبرومند منتشر کنم و به شیفتگان غزالی و علاقه‌مندان فرهنگ و ادب ایران‌زمین عرضه دارم. اما اشتغالات گوناگون و دشواری دسترسی به برخی از دست‌نویس‌های کهن، سبب شد تا تصحیح *زاد آخرت* سالها به تعویق افتد. چند سال بعد، در شهریورماه ۱۳۹۴ ش. الکسی خیسما تولین، ایران‌شناس خوش‌ذوق اهل روسیه را در حاشیه هشتمین کنفرانس اروپایی مطالعات ایرانی در سن پترزبورگ ملاقات کردم. او که به غزالی علاقه داشت و برخی از آثار وی از جمله *زاد آخرت* را منتشر و به روسی ترجمه کرده بود، آشکارا چاپ اورنگ را نامعتبر می‌دانست و حتی برخی از چاپ‌های سنگی هند را به آن ترجیح می‌داد. از این رو وقتی که از تصمیم خود مبنی بر تصحیح علمی و انتقادی *زاد آخرت* با او سخن گفتم، مرا به شدت تشویق کرد و بدین گونه انگیزه‌هایم را که اندکی فروکش کرده بود، بار دیگر نیرو بخشید. بعدها که نسخه‌های دیگری را نیز شناسایی کردم، دانشجوی کوشا و شایسته خود، خانم ملیحه گزی مارشک را فراخواندم تا اگر دوست می‌دارد، مرا در تصحیح این اثریاری دهد. او نیز با علاقه و اشتیاق پذیرفت و انصافاً همه توان خود را به کار گرفت.

راه سخت و طاقت‌فرسا بود، چرا که نسخ دستیاب، اغلب جدید و متأخر بودند و چون بیم آن می‌رفت که به‌رغم کوشش فراوان، نسخه‌های کهن‌تر به دست نیایند، چاره‌ای نبود که بر اساس همان دست‌نویس‌های متأخر و حتی چاپ‌های سنگی هند، مقابله را آغاز کنیم. خوشبختانه پس از مدتی، نسخه کتابخانه ملی پاریس که اقدم نسخ بود، به دستمان رسید و پس از بررسی، چون دریافتیم که معتبرترین و صحیح‌ترین دست‌نویس کتاب است، آن را اساس قرار دادیم و یکی دو نسخه ناقص و کم‌اعتبار را کنار گذاشتیم. اما این پایان فرایند مقابله نسخ نبود؛ چندی بعد تصویر نسخه ایا صوفیا را به دست آوردیم و آن را هم مقابله کردیم و اختلاف ضبط‌هایش را به نسخه بدل‌ها افزودیم. در این میان، مهم‌ترین انگیزه در پذیرش و هموار کردن سختی مقابله‌های چندباره، ارائه متنی بود که با توجه به شیوه تصحیح و به دست دادن اختلافات نسخ، مورد اعتماد و اعتنای اهل فن قرار گیرد و بیش از آنچه در چاپ پیشین (اورنگ، ۱۳۵۲ ش.) عرضه شده، به زبان و قلم غزالی نزدیک باشد. امید که چنین نتیجه‌ای به دست آمده باشد.

در تصحیح و پیرایش این متن از همراهی و لطف شماری از استادان و دوستان خود بهره‌مند بوده‌ام که یادکرد نام آنان در این مجال، فرصتی است برای اظهار سپاس و احترام

نسبت به محبت‌های بی‌دریغ ایشان: استادان ارجمند، جنابان دکتر نصرالله پورجوادی و دکتر محمدجعفر یاحقی، دوستان گرامی و باصفا، جنابان دکتر صفا کاظمیان و آقای امیر منصوری، سرکار خانمها نگار یاحقی و نرگس فروتن، دانشی‌یار مهربان، جناب عبدالرضا موسوی طبری و کارکنان کوشا و صمیمی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، بویژه بانوی نیک‌سرشت و بی‌ادعا، سرکار خانم زینب پیری، که هریک در شناسایی برخی از دست‌نویس‌های اثر و دستیابی به آنها نقشی بسزا داشتند. ایران‌شناس برجسته، الکسی خیسماطولین که تصویر یکی دو چاپ سنگی هند را صمیمانه در اختیار گذاشتند. استاد فرهیخته و کم‌نظیر، جناب عمادالدین شیخ‌الحکمایی که از سر مهر برخی از مهرها و عبارات ناخوانا را از نظر گذرانیدند و در خواندن آنها یاری نمودند. نسخه‌پژوه پرکار و زحمتکش، جناب حسین متقی که با لطف تمام برخی از عبارت‌های ترکی را در فهرس مربوط ترجمه کردند. دوست فرزانه و دانشمند، جناب جويا جهانبخش که همواره از راهنمایی و تشویق ایشان برخوردار بودم. همچنین از جناب اسماعیل مهدوی‌راد، مدیر فرزانه نشر ادبیات سپاسگزارم که با گشاده‌رویی، انتشار این اثر را پذیرفتند و مقدمات آن را فراهم کردند. از سرکار خانم یوسف‌زاده نیز کمال تشکر را دارم که حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب، حاصل کوشش و سلیقه ایشان است.

سلمان ساکت

مشهد- تیرماه ۱۳۹۸

مقدمه مصححان

غزالی و آثارش

حجّة الاسلام ابو حامد محمد غزالی، فقیه شافعی و متکلم و متصوّف بزرگ ایرانی، در سال ۴۵۰ ق. در طابران طوس به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و به همراه برادرش، احمد، تحت سرپرستی احمد رادکانی که خود فقیهی شافعی بود، درآمدند. سال‌های نوجوانی و جوانی را در طوس و جرجان و نیشابور به کسب علم گذراند و در همانجا به خدمت خواجه نظام الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان درآمد و از حمایت‌های او بهره‌مند شد. در سال ۴۸۴ ق. از سوی او برای تدریس در نظامیه بغداد به این شهر فرستاده شد و مدت چهار سال بر کرسی تدریس نظامیه این شهر تکیه زد. در این مدت به مطالعه کتاب‌های فلاسفه و عرفا پرداخت تا اینکه پس از یک سلسله تحولات روحی، درس و بحث را در بغداد رها کرد و از آنجا به شام و بیت المقدس و حجاز رفت و به زندگی زاهدانه و صوفیانه روی آورد. او پس از یک دهه در سال ۴۹۸ ق. بار دیگر به بغداد بازگشت و یک سال بعد به شهر خود، طوس، مراجعت کرد. از آنجا بنا بر الزام و اصرار فخرالملک، پسر نظام الملک، به نیشابور رفت تا در نظامیه آن شهر به تدریس پردازد. در سال ۵۰۰ ق. که فخرالملک به قتل رسید، غزالی هم به طوس بازگشت و در آن شهر مدرسه و خانقاهی برای متصوفه برپا کرد و خود به حفظ قرآن و درس حدیث پرداخت. او سرانجام در چهاردهم جمادی الآخر سال ۵۰۵ ق. در زادگاه خود چشم از جهان فرو بست («غزالی، محمد»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ۴/ ۷۲۱-۷۲۲).

از ابو حامد محمد غزالی کتاب‌ها، رساله‌ها و نامه‌های متعددی به دوزبان عربی و پارسی به جا مانده است، تا آنجا که درباره این آثار و صحت و سقم انتساب آن‌ها به او از گذشته بحث‌های زیادی به‌ویژه در میان خاورشناسان مطرح بوده است. پیشینه این بحث‌ها به

نیمه سده نوزدهم و انتشار کتاب ر. گوشه^۱ درباره زندگی و آثار غزالی در سال ۱۸۵۷ م. بازمی گردد. او کوشید تا در بخش آثار غزالی، ضمن بررسی چهل اثر او، صحت انتساب آن‌ها را به وی اثبات کند. پس از او، دی. بی. مکدونالد^۲ در مقاله‌ای که به سال ۱۸۹۹ م. در مجله JAOS منتشر کرد، برخی از کتاب‌هایی را که به اشتباه به غزالی نسبت یافته بود، معرفی کرد. در اوایل سده بیستم، ای. گلدزیهر^۳ در چند نوشته کوتاه از جمله در مقدمه خود بر چاپ فضائح الباطنیه، به طور گذرا دیگر آثار غزالی را بررسی و درباره صحت انتساب آن‌ها اشاره‌وار نکاتی را مطرح کرد. یکی دوده بعد، لویی ماسینیون^۴ با تقسیم‌بندی زندگی غزالی به چهار دوره مختلف، کوشید تا مهم‌ترین آثار غزالی را به یکی از این دوره‌ها پیوند دهد. اما نخستین کسی که به طور جدی به تشخیص مؤلفات اصیل غزالی و تمییز میان آن‌ها و آثار مشکوک پرداخت، میگوئل آسین پالاسیوس^۵ بود. او بخشی از کتاب چهار جلدی خود را که درباره غزالی بود و در فاصله سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۴۱ م. در مادرید منتشر شد، به این مهم اختصاص داد. پس از وی، موننگمری وات^۶ مقاله‌ای درباره صحت انتساب مؤلفات منسوب به غزالی نوشت و آن را در سال ۱۹۵۲ م. در JRAS به چاپ رساند. این مقاله جرج حورانی را بر آن داشت تا در سال ۱۹۵۹ م. مقاله‌ای درباره ترتیب تاریخی مؤلفات غزالی بنویسد و آن را در JAOS منتشر کند. در همین سال کتابی از موريس بویژ^۷ درباره ترتیب تاریخی مؤلفات غزالی در بیروت منتشر شد که چون او در سال ۱۹۵۱ م. درگذشته بود، میشل آلار^۸ کار او را تکمیل و منتشر کرد (مؤلفات الغزالی، ۹-۱۹).

بهترین پژوهشی که تاکنون درباره نگاشته‌های غزالی و صحت و سقم انتساب آن‌ها به وی انجام گرفته است، کتاب مؤلفات الغزالی، اثر دانشمند مصری، عبدالرحمن بدوی است که در سال ۱۹۶۰ م. منتشر شده است. او همه آثار غزالی را اعم از اصلی و منسوب و یا چاپ شده و چاپ نشده، که مجموعاً ۴۶۰ کتاب و رساله است، به هفت دسته تقسیم کرد و

-
1. R. Gosche
 2. D. B. Macdonald
 3. I. Goldziher
 4. L. Massignon
 5. M. A. Palacios
 6. M. G. Wat
 7. M. Bouyges
 8. M. Allard

علاوه بر معرفی کوتاه هریک، دست‌نویس‌های شناخته‌شده آن‌ها را برشمرد. او در نهایت نتیجه گرفت که از میان آن‌ها تنها ۷۲ اثر بی‌هیچ تردیدی از آن غزالی است، که *زاد آخرت* یکی از آن‌هاست و در کنار *کیمیای سعادت* و *نصیحة الملوک* در زمره معدود آثار فارسی او به شمار می‌آید (همان، ۱- ۲۳۸). البته علاوه بر این‌ها، *مکاتیب فارسی غزالی* که به *فضائل الانام* نیز شهرت دارد و شماری فتوا و رساله به‌ویژه دو رساله «مکتوب غزالی درباره اهل اباحه» و «رساله در بیان حماقت اهل اباحت» هم در میان آثار فارسی غزالی جای دارند.

زاد آخرت

زاد آخرت کتابی است در حوزه فقه و اخلاق که در زمره آثار اواخر عمر غزالی به شمار می‌رود. این کتاب ترجمه‌ای است به فارسی از دیگر اثر غزالی به نام *بدایة الهدایه* که اگر از اختلافات جزئی میان آن دو کتاب مانند حذف برخی از دعاها و احادیث در ترجمه فارسی بگذریم، تفاوت اساسی میان آن‌ها افزودن برخی از مباحث کلامی به *زاد آخرت* است. این مباحث شامل فصولی در تنزیه، قدرت، علم، ارادت، سمع و بصر، کلام، افعال، آخرت و نبوت است، که این همه را زیر عنوان «معنی کلمه لا اله الا الله که ایمان بدان درست شود» فراهم آورده است. به نظر می‌رسد افزودن این مباحث از هدف متفاوت نویسنده در تألیف دو کتاب سرچشمه گرفته است. در *بدایة الهدایه* (ص ۱-۳) غزالی «طالب علم» را مخاطب قرار می‌دهد و به او می‌گوید که اگر می‌خواهد علم را طلب کند، باید قصد و نیتش «هدایت» باشد و این هدایت، بدایت و نهایتی دارد که بدایت آن ظاهر تقوی و نهایت آن باطن تقوی است. بدیهی است که برای رسیدن به باطن تقوی ابتدا باید ظاهر آن را به دست آورد. بنابراین مؤلف در ادامه، تقوی را که همانا فرمانبرداری از اوامر و اجتناب از نواهی الهی است، برای «طالبان علم» شرح می‌دهد. اما در *زاد آخرت* بحث از مذمت دنیای دون و لزوم برگرفتن زاد و بدرقه است که به گفته غزالی، آخرت را «هیچ زاد نیست جز تقوی و هیچ بدرقه نیست جز ایمان» (ص ۴). پس ایمان را زیر عنوان «اعتقادی که ایمان بدان درست شود» و تقوی را مطابق آنچه در *بدایة الهدایه* آورده، یعنی فرمانبرداری از اوامر خداوند و اجتناب از نواهی او، شرح داده است. غزالی خود در آغاز *زاد آخرت* به ارتباط میان این دو اثر و آنچه بدان افزوده، اشاره کرده است:

پس ما این کتاب مختصر تصنیف کردیم و «زاد آخرت» نام نهادیم به سبب گروهی از اهل دین که درخواستند، از بهر قومی از عوام که ایشان را قوت آن نبود که به‌کیمیای سعادت رسند و به/احیاء علوم الدین و آن قدر که در بدایة الهدایه گفته‌ایم به تازی ایشان را کفایت بود و ایشان پارسی‌زبان بودند، از آن فایده‌ای نداشتند، خواستند تا پارسی کتاب بدایة الهدایه بشناسند و راه تقوی بدان بدانند و نخواستیم که این کتاب از فایده نو خالی باشد، اعتقادی که ایمان بدان درست شود در این کتاب بیاوردیم تا جامع بود میان علم و عمل و ایمان و تقوی که زاد آخرت بدان معلوم شود (ص ۵).

چنان‌که می‌بینیم غزالی انگیزه خود را از نگارش زاد آخرت به زبان فارسی، استفاده «عوامی» دانسته که از یک سو توانایی خواندن و «قوت» فهم مطالب کیمیای سعادت را نداشتند و از سوی دیگر چون زبان تازی نمی‌دانستند، از کتاب ساده و کم‌برگ بدایة الهدایه فایده‌ای نمی‌بردند.^۱

همچنین به ارتباط میان زاد آخرت و کیمیای سعادت اشاره شده است. غزالی هرآنچه را که هر مسلمان باید در سفر آخرت، به‌عنوان زاد و توشه همراه داشته باشد، از بخش‌های مختلف ربع‌های عبادات، معاملات و مهلکات کیمیای سعادت برگزیده و در زاد آخرت گرد آورده است. اگر در کیمیای سعادت، هدف غزالی آن است که «مس وجود انسان را به زر شایسته درگاه الهی» بدل کند و کیمیای سعادت ابدی را برای مخاطبانش شرح دهد، در این کتاب تنها در پی آن است که زاد و توشه‌ای هرچند اندک، در اختیار مخاطبانش قرار دهد تا در سفر آخرت دستشان خالی نباشد.

زاد آخرت با مقدمه‌ای کوتاه درباره ناپایداری دنیا و فانی بودن انسان در این جهان آغاز می‌شود و با فصولی در مباحث کلامی ادامه می‌یابد. سپس به شرح تقوی می‌پردازد و آن را در دو قسم «در طاعت داشتن فرمان حق تعالی» و «پیدا کردن معاصی» شرح می‌دهد. قسم نخست به طهارت و نگاه داشتن اوراد روز و شب و نماز و روزه محدود است و قسم دوم به نگاه داشتن هفت اندام و دل از گناهان. بخش پایانی «آداب صحبت با خلاق» است.

آنچه در ساختار و محتوای زاد آخرت جلب توجه می‌کند، این است که گرچه غزالی در احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت به گسترده‌ای از مسائلی چون زکات، حج، نکاح، امر به

۱. به باور برخی از پژوهشگران اینکه غزالی آثارش را به فارسی ترجمه کرده است تا عوام آنها را دریابند، نشان‌دهنده نگاه تحقیرآمیز او نسبت به زبان فارسی و فارسی‌زبانان است (رک: «غزالی در پیشگاه فرهنگ ایران»، ۶۹۴-۷۲۱).

معروف و نهی از منکر و ... سخن می‌گوید، در *زاد آخرت* تنها به طهارت و نماز و روزه پرداخته و از بیان دیگر مسائل فقهی خودداری کرده است و به جای آن‌ها، بخشی از کتاب را به اخلاق اجتماعی و آداب معاشرت و صحبت آدمیان با یکدیگر اختصاص داده است. حتی وقتی که از نگاهداشت اندام‌ها و دل از معاصی سخن می‌گوید، بیشتر بعد اجتماعی آسیب‌های ناشی از معاصی را مدّ نظر دارد و بیش از همه به زبان و آفات آن می‌پردازد، چراکه زبان خیره‌ترین اندام آدمی است که اگر در اختیار و تسلّط آدمی نباشد، در تعاملات اجتماعی بیشترین آسیب را به پیکره روابط انسانی و نیز به خود شخص وارد می‌سازد. یک سخن نابجا می‌تواند آدمی را «هفتاد ساله راه به قعر دوزخ افکند» یا حتی شهید را از راهیابی به بهشت بازدارد (ص ۶۵).

غزالی در *زاد آخرت* نتیجه سال‌ها آموختن و آموزاندن و تحقیق و تأمل خود را در سه مفهوم خلاصه کرده است: ایمان، تقوی و حسن رفتار با مردم. به سخن دیگر او ایمان درست، عمل به واجبات و دوری از محرمات، و پایبندی به اخلاق و رعایت حقوق دیگران را کمینه زاد و توشه آخرت می‌داند که رفتن به قیامت بدون آن‌ها، نتیجه‌ای جز هلاکت و نابودی نخواهد داشت.

مآخذ غزالی

مآخذ غزالی در نگارش *زاد آخرت* - آنچنان که خود بارها تکرار کرده است - *احیاء علوم الدّین* و *کیمیای سعادت* بوده است، بنابراین با شناخت مآخذ این دو اثر به ویژه *کیمیای سعادت*، مآخذ *زاد آخرت* نیز مشخص خواهد شد. به طور کلی مآخذ غزالی را در نگارش *کیمیای سعادت* // *احیاء علوم الدّین* در سه دسته مآخذ صوفیانه، مآخذ یونانی / فلسفی و مآخذ ایرانی / اندرزنامه‌ای می‌توان جای داد («بررسی مآخذ غزالی در *کیمیای سعادت*»، ۳۶۹-۳۸۲)، اما با توجه به نوع مطالبی که در *زاد آخرت* آمده، مآخذ صوفیانه بیش از دو دسته دیگر در نگارش آن مؤثر بوده‌اند. این مآخذ عبارتند از: *قوت القلوب*، آثار حارث محاسبی، *تهذیب الاسرار* خرگوشی، *اللمع*، *شرح التّعرف*، *الرسالة القشیریة*، *کشف المحجوب* و *حقایق التفسیر سلمی* که در این میان غزالی بیش از همه از *قوت القلوب* بهره برده است.

چاپ‌های زاد آخرت

۱. چاپ‌های سنگی

زاد آخرت دو بار در هند به سال‌های ۱۲۶۸ ق. و ۱۲۷۶ ق. به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است.^۱ (کتاب‌شناسی آثار چاپ شده در شبه قاره، ۲۷۳/۱). هردوی این چاپ‌ها را فردی به نام سید شاه محمد قادری در مطبع مسلمانان به طبع رسانده است. این شخص خود در پایان چاپ مورخ ۱۲۷۶ ق. درباره این دو چاپ نوشته است: «این کتاب برکت نصاب پیش از این در سنه ۱۲۶۸ هجری معرّا به قالب طبع درآمده، رونق اشتها یافته بود اما چون هنوز مشتاقانش از دایره شوقش در تب و تاب و تشنگان وادی تمنایش ناسیراب بودند، لهذا بار دیگر اول بمقدار امکان خود تصحیح متنش نمودم پس از آن معنی آیات کلام الله و ترجمه ادعیه مأثوره و معانی لغات دقیقه و فواید بسیار از کتب معتمد معروفه بر آن افزودم. بعون یزدانی بتاریخ شانزدهم ذیقعدّه سنه ۱۲۷۶ هجری مطبوع گردید» (زاد آخرت، چاپ سنگی مورخ ۱۲۷۶ ق.، ص ۶۳).

مقایسه این دو چاپ نشان می‌دهد که ادعای سید شاه محمد قادری درست است و در چاپ ۱۲۷۶ ق. اشکالات و نادرستی‌های چاپ قبل برطرف و توضیحات فراوانی در حواشی بدان افزوده شده است. البته چاپ مورخ ۱۲۶۸ ق. نیز مطالب و توضیحاتی در حاشیه درباره لغات، ترجمه آیات و احادیث و برخی از اصطلاحات دارد، اما این مطالب در چاپ بعدی بیشتر، منسجم‌تر و منظم‌تر است. همچنین برای کلمات و عباراتی از متن در حاشیه نسخه مورخ ۱۲۷۶ ق. با علامت «ب» نسخه بدل داده است، اما معلوم نیست که نسخه منقول عنه چه نسخه‌ای بوده است. چنان‌که شاه محمد قادری خود گفته است، کوشیده تا متن را تصحیح کند، اما نتیجه کار، تصحیح علمی به معنای دقیق کلمه و به شیوه امروزی نبوده است. به طور کلی مقایسه و مقابله این دو چاپ سنگی نشان‌دهنده آن است که از نظر متن، جز در مواردی معدود، اختلاف چندانی با یکدیگر ندارند.

۱. بر طبق فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (ج ۲، ص ۱۸۱۵) این دو چاپ در سال‌های ۱۲۶۸ ق. و ۱۲۹۷ ق. منتشر شده است، اما طبق آنچه عارف نوشاهی در کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره (۲۷۳/۱) آورده این دو چاپ در سال‌هایی که ذکر شد، صورت گرفته است. تصویر هردوی این چاپ‌های سنگی اینک در اختیار نگارندگان است و تاریخ چاپ آنها، سخن نوشاهی را تأیید می‌کند. اشتباه در ذکر تاریخ این دو چاپ سنگی از فهرست مشار به فهرستواره کتاب‌های فارسی نیز راه یافته است (رک: فهرستواره کتاب‌های فارسی، ۴۷۸/۷).

۲. چاپ اورنگ^۱

در سال ۱۳۵۲ ش. مراد اورنگ این اثر را از روی دست‌نویس شماره ۵۵۵۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی به چاپ رساند. این نسخه فاقد تاریخ کتابت است و در فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۱۷، ص ۲۰) از حدود قرن ده دانسته شده است. اورنگ در مقدمه، اثر، نویسنده، نسخه مورد استفاده و نیز روش کار خود را به طور کامل و دقیق معرفی نکرده است، بلکه به جای آن روایتی از چگونگی و چرایی تصمیم خود برای تصحیح و انتشار *زاد آخرت* آورده است:

نخست اینکه نزدیک نهصد سال پیشینه تألیف دارد و تاکنون هم به چاپ نرسیده و گمان می‌رود نسخه منحصر به فرد باشد که در کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۵۵۵۲ در فهرست کتاب‌های خطی ثبت و نگاهداری شده، در هیچ یک از فهرست‌های کتابخانه‌های دیگر دیده نشد. دوم اینکه گنجینه گرانمایی است از تعالیم اسلامی و بسیاری از ریزه‌کاری‌های آموزنده اخلاقی و عرفانی که بهترین چراغ راه دینداران و حقیقت‌جویان می‌باشد. سوم اینکه مختصر است و ساده و آنچنان نیست که مفصل و خسته‌کننده باشد. چهارم اینکه به زبان فارسی است و رنگ و روی فرهنگ ایرانی دارد و درخور پسند فارسی‌نویسان می‌باشد (*زاد آخرت*، تصحیح اورنگ، ص ۳).

چنان‌که از این عبارات برمی‌آید، ارزش و جایگاه ویژه این اثر به عنوان یکی از معدود آثار فارسی غزالی چندان بر مصحح معلوم نبوده و او صرفاً به قصد انتشار اثری در حوزه الهیات و دین، به کار تصحیح *زاد آخرت* روی آورده است. مصحح در مقدمه می‌گوید برای اینکه چیزی بنویسد تا مورد پسند عامه باشد و مطالعاتی را که از جوانی در حوزه دین داشته است به نوعی به کار بندد تا جبران مافات و گناهان و قصور سال‌های گذشته عمر کرده باشد، به فکر می‌افتد که نسخه‌ای خطی در زمینه «الهیات و دین» بیابد و آن را منتشر کند و اندکی از دین خود را در این زمینه ادا نماید (همان، ص ۳)، بنابراین *زاد آخرت* را از میان چند نسخه دیگر انتخاب کرده و به چاپ رسانده است. او در مقدمه درباره *زاد آخرت* هیچ آگاهی

۱. افزون بر این، باید از چاپ الکسی خیسماطولین در روسیه در سال ۲۰۱۷ م. نیز یاد کرد. او در کتابی با عنوان *رسائل امام غزالی*، «زاد آخرت» را براساس چاپ سنگی مؤرخ ۱۲۷۶ ق. و در مقایسه با چاپ اورنگ به همراه متن *نصيحة الملوك*، *فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام* و دو رساله «پندنامه» و «ای فرزند» و نیز با ترجمه روسی آن‌ها به چاپ رسانده است.

دیگری به دست نمی‌دهد، جز اینکه تنها در یک جمله به ارتباط آن با *بدایة الهدایة* اشاره می‌کند، آن هم در جایی که می‌گوید نسخه در مواردی ابهاماتی داشته است و برای رفع این ابهامات کوشیده تا *بدایة الهدایة* را به دست آورد، چراکه *زاد آخرت* «ترجمه ماندنی است از *بدایة الهدایة غزالی*» (همان، ص ۳). اورنگ به دیگر آثار غزالی نیز اشاره‌ای نمی‌کند و در این باره تنها می‌نویسد:

می‌گویند بیش از دویست جلد کتاب نوشته، نام بسیاری از کتاب‌هایش با شرح حال او در *غزالی‌نامه* تألیف استاد جلال‌الدین همایی یاد شده است (همان، ص پ).

مصحح درباره دست‌نویس مورد استفاده خود تنها به ذکر شماره ثبت و محل نگهداری نسخه بسنده کرده و اطلاعات دیگری از مشخصات ظاهری، تاریخ کتابت یا رسم‌الخط آن ارائه نداده است.

اورنگ در مقدمه اشاره کرده که به دلیل در اختیار نداشتن نسخه یا نسخه‌های دیگر، هرگاه درباره برخی از واژه‌ها و جملات نامفهوم دچار تردید می‌شده، از *بدایة الهدایة* و شرح عربی آن، *مراقی العبودیة علی بدایة الهدایة* تألیف شیخ محمد نووی الجاوی، *احیاء العلوم*، *کیمیای سعادت و نصیحة الملوک* بهره می‌برده است (همان: ص ۳-ج) که البته چون این کار به صورت روشمند و علمی انجام نشده است، موارد بسیاری را که در نسخه مجلس درست یا خوانا نبوده، در چاپ خود اشتباه ضبط کرده است.

پس از مقدمه، متن *زاد آخرت* و پس از آن، از صفحه ۶۶ به بعد بخشی با عنوان «توضیحات» آمده که بیشتر شامل ترجمه آیات و احادیث و گاه نکاتی درباره بخش‌هایی از *زاد آخرت* است. این توضیحات اغلب بدون ذکر منبع است و اگر منبعی معرفی شده، کتاب‌شناسی آن به‌طور کامل نیامده است.

از صفحه ۱۲۰-۱۲۲ نیز درباره برخی از واژه‌ها توضیحاتی ارائه شده است که در میان آن‌ها، اشتباهات و نادرستی‌هایی دیده می‌شود که برآمده از برداشت‌های غلط مصحح است و در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

پس از انتشار چاپ اورنگ، احمد افشار شیرازی در سال ۱۳۵۴ ش. بر مبنای تحقیقاتی که به گفته خود از پانزده سال پیش از آن، یعنی از حدود سال ۱۳۴۰ ش. آغاز کرده بود، مقاله‌ای با عنوان «معرفی یک متن فارسی؛ زاد آخرت از غزالی» منتشر کرد و در آن علاوه بر اشاره‌ای گذرا به اشکالات چاپ اورنگ، شش نسخه دیگر از این اثر را معرفی کرد و مدعی شد که اغلب آن‌ها را در اختیار دارد («معرفی یک متن فارسی؛ زاد آخرت از غزالی»، ۵-۱).

افشار شیرازی نسخه مورد استفاده اورنگ را نیز در این مقاله معرفی کرده و آن را بدون تاریخ و احتمالاً متعلق به قرن ۱۱ یا ۱۲ ق. دانسته است. او درباره چاپ اورنگ گفته است که «چون مصحح محترم بیش از یک نسخه از این رساله در دست نداشته است، موارد بسیاری که در نسخه درست نبوده و یا بد خوانده شده در این چاپ دیده می شود» (همان، ۹). او در آغاز مقاله می گوید که پانزده سال پیش از نگارش مقاله در حین بررسی یک سلسله کتب و مجموعه های خطی به دست نویسی از *زاد آخرت* دست یافته که در سال ۱۰۸۱ ق. به خط کاتبی به نام میرداماد کتابت شده است^۱ و پس از آن به جستجوی نسخه های دیگر این اثر پرداخته و در ادامه فهرستی از آنها به شرح زیر ارائه داده است:

- نسخه ای در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- نسخه ای ناقص در کتابخانه وزارت مطبوعات کابل در افغانستان که در مجموعه شماره ۳۹ این کتابخانه قرار گرفته
- نسخه ای در توبقاپوسرای در شماره ۵۲۰ از مجموعه روان کشکو
- نسخه ای در مجموعه شماره ۴۷۹۲ کتابخانه ایاصوفیه در استانبول
- نسخه شماره ۳۳۶۹ در کتابخانه سلطنتی سابق برلین (نسخه توپینگن)
- نسخه مجموعه وارنر در کتابخانه دانشگاه لیدن در هلند» (همان، ۱-۵).

اشکالات عمده چاپ اورنگ

۱. به دست نیاوردن نسخ موجود

چنان که گفته شد احمد افشار شیرازی بر مبنای تحقیقاتی که از حدود سال ۱۳۴۰ ش. آغاز کرده بود، مقاله ای درباره *زاد آخرت* نوشت و علاوه بر نسخه مورد استفاده اورنگ، شش نسخه دیگر از این اثر را معرفی کرد و مدعی شد که اغلب آن ها را در اختیار دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که وقتی اورنگ مشغول تصحیح کتاب از روی دست نویس کتابخانه مجلس بوده است، دست کم پنج یا شش نسخه دیگر در ایران شناسایی شده و کم و بیش در اختیار بوده است، ولی او یا از وجود آن ها آگاهی نداشته و یا از نسخه یابی و نسخه جویی تن زده و به تصحیح براساس همان تک نسخه بسنده کرده است.

۱. از این نسخه با نشانه F در تصحیح خود استفاده کرده ایم.

۲. نداشتن شیوه علمی و روش یکسان در استفاده از منابع

همان طور که اشاره شد، اورنگ به جای یافتن نسخه یا نسخ دیگری از *زاد آخرت* و استفاده از آن‌ها در تصحیح خود، برای رفع ابهامات نسخه مورد استفاده‌اش (نسخه کتابخانه مجلس)، به دیگر آثار غزالی مراجعه کرده است، اما در این کار شیوه‌ای علمی و یکسان به کار نبسته و از این روی اشکالات و کاستی‌هایی به متن مصحح وی راه یافته است. عمده این اشکالات عبارتند از:

الف. برخلاف آنچه گفته است در تمامی موارد مبهم به منابع مورد اشاره خود رجوع نکرده، یا اگر رجوع کرده، دقت لازم را به کار نبسته است، در نتیجه گاهی ابهام متن همچنان باقی مانده در حالی که اورنگ درباره آن‌ها هیچ توضیحی ارائه نکرده است. برای نمونه عبارت «چون ندانی مال بعینه از کجاست، بغالب فراگیر و از آن دور باش و مال دیگر مسلمانان همه حلال دان مگر آنکه دانی که او از چه حرام است. روشن مال وقف بود که کسی بخلاف شرط واقف بستاند چنانکه واقف صوفیان خورد و صوفی نباشد... یا در مدرسه وقف طلبه علم خورد و وی بطالب علمی مشغول نباشد» در چاپ اورنگ (ص ۴۴)، مبهم و نامفهوم است، در حالی که در *بدایه الهدایه* (ص ۳۱) در این بخش عبارت: «وَإِنْ أَمَكُنْ أَنْ يَكُونَ حَلَالًا نَادِرًا فَهُوَ حَرَامًا لِأَنَّهُ الْعَالِبُ عَلَى الظَّنِّ. وَ مِنَ الْحَرَامِ الْمَخْضَى مَا يُؤْكَلُ مِنَ الْأَوْقَافِ مِنْ غَيْرِ شَرْطِ الْوَاقِفِ فَمَنْ لَمْ يَشْتَغِلْ بِالتَّفَقُّهِ فَمَا يَأْخُذُهُ مِنَ الْمَدَارِسِ حَرَامٌ وَ مَنْ أَتَكَبَّ مَعْصِيَةً تَرُدُّ بِهَا شَهَادَتَهُ فَمَا يَأْخُذُهُ بِأَشْمِ الصُّوفِيَةِ مِنْ وَقْفٍ أَوْ غَيْرِهِ حَرَامٌ» آمده که کاملاً روشن است و ابهامی ندارد، اما اورنگ بدون هیچ توضیحی از کنار آن عبور کرده است.

همچنین عبارت «و بدان که بنده از سه حال خالی نباشد. در تجارت آخرت یا بر سود است و هرکه اندرین هر دو مقصر است بر زیان است و اگر چنان است که به طلب سود مشغول نیستی جهد آن کن که سربه سربجعی...» در چاپ اورنگ (ص ۲۰) مبهم است و او متوجه آن بوده و در پانویست آورده است: «خوب روشن نیست.» در صورتی که با دقت در متن *بدایه الهدایه* (ص ۱۴)، ابهام عبارت رفع و روشن می‌شود که بخشی از عبارت افتاده است. در آنجا آمده است:

وَاعْلَمْ إِنَّ الْعَبْدَ فِي حَقِّ دِينِهِ عَلَى ثَلَاثِ دَرَجَاتٍ: إِمَّا سَالِمٌ وَ هُوَ الْمُقْتَصِرُ عَلَى الْأَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ تَرْكِ الْمَعَاصِي أَوْ رَابِعٌ وَ هُوَ الْمُتَطَوِّعُ بِالْقُرْبَاتِ وَ التَّوَافُلِ، أَوْ خَاسِرٌ وَ هُوَ الْمُقْتَصِرُ عَنِ اللُّوْازِمِ. فَإِنْ لَمْ تَقْتَدِرْ أَنْ يَكُونَ رَابِعًا فَاجْتَهِدْ أَنْ تَكُونَ سَالِمًا، وَإِذَا كُنْتَ سَالِمًا فَاجْتَهِدْ أَنْ تَكُونَ خَاسِرًا.

ب. در مواردی که به این منابع رجوع کرده روش یکسانی را رعایت نکرده است، گاهی به دلخواه ضبط آن‌ها را به متن برده و گاهی تنها در پانویست به ضبط منابع اشاره کرده و آن‌ها را به متن نبرده است، برای نمونه در صفحه ۶۳ آمده است: «وهرجا که جماعتی مردم بینی با ایشان بایست»؛ اورنگ در پانویست آورده است: «در بدایه: لا تقف. یعنی نه ایست.» چنان که می‌بینیم با وجود اینکه آنچه در *بدایة الہدایہ* آمده صحیح است، اورنگ به ضبط نسخه وفادار مانده است.

در صفحه ۵۶ اورنگ بنا بر *بدایة الہدایہ* متن را تغییر داده و برای عبارت «وایشان (مردمان مجهول و پراکنده) را کم بینی» در پانویست آورده است: «در متن: نه بینی، در *بدایة الہدایہ*: وَالْإِخْتِرَازُ عَنْ كَثْرَةِ لِقَائِهِمْ، یعنی دوری جستن از زیاد دیدار کردنشان.» در صفحه ۳۰ آمده:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ
الدَّجَالِ.

اورنگ دربارهٔ واژه «مسیح» در بخش توضیحات (ص ۱۰۱) شرح مفصلی آورده و گفته است که این واژه در شرح *بدایة الہدایہ*، *احیاء العلوم* و در خود نسخه «مسیح» است، اما در نهایت براساس کتاب *فقه محمدی* تألیف مردوخ کردستانی، واژه «مسیح» را به متن برده است!

ج. گاهی مصحح بنا بر دریافت شخصی و به صورت قیاسی متن را تغییر داده تا رفع ابهام کند، اما این تصحیح قیاسی به نادرستی صورت گرفته و ابهام را برطرف نکرده است. برای نمونه در صفحه ۹ می‌خوانیم:

نیمهٔ چپ از تن خویش فرایش دار تا پای چپ بنشستن در طهارت جای نهی.
اورنگ در پانویست توضیح داده: «در متن: پیشستن» و در چاپ خود «بنشستن» را آورده است، در حالی که این عبارت در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی پاریس «پای چپ پیشتر...» است (*زاد آخرت*، نسخهٔ خطی مورخ ۷۴۵ ق، ۱۶ ر). بنابراین اگر او در پی تصحیح قیاسی بوده، باید به جای «بنشستن»، «پیشین» ضبط می‌کرده که به معنای «پیشتر» است. در صفحه ۵۸ آمده:

و دوست سه است: ... سیم برای انس و روزگاری گذاشتن. با وی با دل نیکو نداری و آن نگاه باید داشتن که از شروی سلامت یابی.

در پانویست در توضیح «نیکو نداری» آورده: «در متن: نیکر ندازی». چنان که می‌بینیم اورنگ عبارت موجود در نسخه را به عبارتی دیگر تغییر داده که خود مبهم است و قرار دادن

نقطه در جای نادرست براین ابهام افزوده. جمله در نسخه چنین است: «سیم برای انس و روزگاری گذاشتن با وی با دل بنگرندازی وی آن نگاه باید داشتن که از شر وی سلامت یابی» (زاد آخرت، نسخه خطی بی تا: ۵۸ پ). در نسخه پاریس آمده:

سیم برای انس [و] روزگار گذاشتن تا دل بنگیرد، از وی آن نگاه باید داشت که از شروى سلامت یابی (زاد آخرت، نسخه خطی مورخ ۷۴۵ ق، ۱۵۷ پ).

د. عبارات و جملاتی در این چاپ وجود دارد که ابهامی ندارند، اما اورنگ پس از توضیحات نسبتاً طولانی در پانویشت درباره آن‌ها گفته است: «روشن نیست». برای نمونه در صفحه ۲۰ آمده است:

و خسیس زنده باشد که نیکوترین احوال وی آن بود که با مرده برابر بود.

مصتح پس از آنکه در پاورقی درباره نحوه کتابت کلمه «خسیس» توضیحاتی ارائه داده است، در نهایت جمله را به همین صورت در متن آورده و نوشته است: «با همه اینها معنی درست به دست نمی‌آید»، در حالی که تنها اگر «زنده» را به صورت «زنده‌ای» بخوانیم معنا کاملاً واضح است. در بدایه الیهاده (ص ۱۶) نیز آمده است:

و ما اخس حال من سلامه دینه فی تعطیل حیاتیه إذا النوم أخو الموت، و هو تعطیل الحیاة و التحاق بالجمادات.

همچنین برخی از توضیحاتی که اورنگ برای شماری از واژه‌ها ارائه داده است، از آشنایی اندک و ناکافی او با دانش‌های مورد نیاز در امر تصحیح نشأت گرفته است. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

در صفحه ۶۴ آورده است: «و با ایشان (خانواده) بهشت زندگانی کن بی عنف و رفق گوئی [بدون] ضعف و مذلت». در توضیح کلمه «بهشت» در پانویشت آورده است: «به نرمی و خوشرویی، از ریشه هش به فتح اول و تشدید دوم به معنی نرم و تازه روی یا گشاده روی». در تصحیح حاضر (ص ۹۵) جمله بدین صورت است:

و با ایشان به هیئت زندگانی کن بی عنف و رفق کن بی ضعف و بی مذلت.

در صفحه ۲۹ آورده است که بعد از بلند شدن از رکوع «پشت راست مار بکن» و سپس عبارت «راست مار» را در بخش توضیحات چنین معنی کرده است: «راست مار= گویا به معنی راست ایستادن باشد، مانند راست ایستادن مار» (ص ۱۲۰).

در برابر واژه «خرقه» در بخش توضیحات می‌نویسد: «کهنه؟» (ص ۱۲۰).

در ص ۴۳ آورده است: «و از حلال اند که باید خورد». او در توجیه ضبط خود می‌گوید: «اند= اندازه، باندازه» (ص ۱۲۰).

۳. اشکالات ویرایشی و نگارشی

۳-۱. رسم الخط

رویکرد اورنگ به حفظ و ضبط رسم الخط نسخه و یا امروزی کردن آن نامشخص است. از یک سو او در مقدمه ویژگی‌های رسم الخطی دست‌نویس را معرفی نکرده و از سوی دیگر، گاه در پانویشت صفحات، رسم الخط واژه‌ها را متذکر شده است. این تذکرها نشان می‌دهد که او با رسم الخط نسخ قدیم آشنایی نداشته و بسیاری از ویژگی‌های نوشتاری دست‌نویس‌های کهن را غلط می‌پنداشته است، چرا که گاه صورت اصلی واژه‌هایی را در پانویشت آورده و صورت امروزی آن‌ها را در متن قرار داده است؛ برای نمونه برای واژه «ناچار» (ص ۲۵) در پاورقی نوشته است که در متن «ناچار» است. او نگارش «آ» به صورت «ا» را نامأنوس دانسته و برای واژه «آغاز» (ص ۲۸) در پانویشت توضیح داده که در متن «آغاز» است. این همه در حالی است که او در قریب به اتفاق موارد رسم الخط دست‌نویس را حفظ کرده است، بنابراین تنها مواردی را که غلط می‌پنداشته در پانویشت متذکر شده است.

او همزه‌ای را که روی حرف «س» کشیده قرار دارد، نقطه در نظر گرفته و مثلاً در صفحه ۲۵ در پانویشت برای کلمه «نیست» که روی «س» آن در نسخه همزه وجود داشته، نوشته است: «متن: نیست».

اورنگ با مسائل زبان‌شناسی تاریخی هم آشنایی نداشته و برای نمونه «دوست‌ترین» دست‌نویس را به «دوست‌ترین» تغییر داده و به متن برده است (ص ۶۰).

افزون بر این‌ها، حفظ رسم الخط اغلب بیش از حدی بوده که در میان مصححان رواج دارد، تا آنجا که در مواردی خواننده را به اشتباه می‌اندازد، برای نمونه:

- کاربرد همزه به جای «ای» نشانه نکره و شناسه دوم شخص مفرد، مانند: بنده (=

بنده‌ای) (ص ۲۷)، نه (= نه‌ای (نیستی)) (ص ۴۰)، کرده (= کرده‌ای) (ص ۶۳).

- کتابت «گ» به صورت «ک»: پگاه (= پگاه) (ص ۹)، مکس (= مگس) (ص ۶۳).

- اجتناب از به کار بردن «ی» میانجی: ریا خلق (= ریا خلق) (ص ۹).

- حذف «های غیر ملفوظ» در کلمات مختوم به «ه» که با «ها» جمع بسته می‌شوند:

جامها (= جامه‌ها) (ص ۲۴)، سورها (= سوره‌ها) (ص ۳۴).

- کاربرد «ی» به جای «یی» در کلمات مختوم به الف ممدود: سوره‌های (= سوره‌هایی) (ص

۲۸)، دعای (= دعایی) (ص ۳۲)، پارسای (= پارسایی (در معنی مصدری)) (ص ۴۷).

۳-۲. استفاده نکردن یا استفاده نابجا از علایم نگارشی

در چاپ اورنگ غیر از نقطه، تنها علامتی که دیده می‌شود، ویرگول است که آن هم به‌ندرت به کار رفته است. برای نمونه در عبارت زیر هیچ علامت نگارشی به کار نرفته و خواندن و فهم آن را دشوار کرده است: «چنانچه ذات ایزد تعالی و تقدس در دل ما معلوم است و بر زبان ما مذکور است و علم ما آفریده و معلوم قدیم و ذکر ما آفریده و مذکور قدیم، همچنان کلام او در دل ما محفوظ و در زبان ما مقرو و در مصحف مکتوب محفوظ نامخلوق و حفظ و کتاب مخلوق و مقرو نامخلوق و قرأت مخلوق» (ص ۵-۶).

گذشته از این، در بسیاری از موارد نقطه در جای مناسب خود قرار نگرفته، لذا بر ابهام متن افزوده است. حتی گاهی نمونه‌هایی دیده می‌شود که متن دست‌نویس خود ابهام دارد، ولی مصحح نه تنها به ابهام اشاره‌ای نکرده که با گذاشتن نقطه‌های نابجا بر ابهام متن افزوده است؛ برای نمونه:

و هر لذت و ولایت و شادی که بر روی زمین است گردیست از آن کلوخ که از برخاستن آن غباری تا نشستن و ناچیز شدن. پس تفاوتی نبود بلکه بزرگان گفته‌اند: ... (ص ۲).

این عبارت در کهن‌ترین نسخه چنین است:

و هر ولایت و لذت و شادی که بروی است گردی است از آن کلوخ که از برخاستن آن غبار تا نشستن و ناچیز شدن پس تفاوتی نبود بلکه بزرگان چنین گفته‌اند: ... (زاد آخرت، نسخه خطی مورخ ۷۴۵ ق، ۷۸ پ).

و مال دیگر مسلمانان همه حلال دان مگر آنکه دانی که او از چه حرام است. روشن مال وقف بود که کسی بخلاف شرط واقف بستاند چنانکه واقف صوفیان خورد و صوفی نباشد بصف و سیرت (ص ۴۴).

عبارت فوق در نسخه پاریس چنین است:

و مال دیگر مسلمانان حلال دان مگر آنکه دانی که از وجهی حرام است روشن. و از جمله حرام روشن مال وقف باشد که کسی بستاند نه به شرط واقف، چنان که وقف صوفیان خورد و صوفی نبود به صفت و سیرت (زاد آخرت، نسخه خطی مورخ ۷۴۵ ق، ۱۳۷ ر).

و وی حسد کردی کسی را که علم آموختی یا عمل کردی. چون عمل وی زبان در ایشان زدی (ص ۵۰-۵۱).

این عبارت در نسخه مورد استفاده اورنگ به صورت: «و وی حسد کردی کسی را که علم آموختی یا عمل کردی چون عمل وی زبان در ایشان زدی» (زاد آخرت، نسخه خطی بی‌تا،

۵۱ ر) و در نسخهٔ پاریس به صورت: «وی حسد کردی کسی را که علم آموختی و یا عملی کردی چون عمل وی، در ایشان زبان دراز کردی» (زاد آخرت، نسخهٔ خطی مورخ ۷۴۵ ق.، ۱۴۷ ر) آمده است.

۴. ابهام در متن

ابهامات در چاپ اورنگ عمدتاً از دو علت سرچشمه گرفته است: یا از خطای مصصح و یا از خطای کاتب. خطاهای مصصح خود به دو دستهٔ «بدخوانی‌ها» و «جا انداختن‌ها» تقسیم می‌شوند. لغزش‌های کاتب نیز در دو دستهٔ «کتابت نادرست واژه‌ها و عبارات» و «افتادگی‌ها» جای می‌گیرند. نگارندگان به منظور فایده‌مندی بیشتر، علاوه بر مقایسهٔ چاپ اورنگ با نسخهٔ مورد استفادهٔ او، ضبط تصحیح پیش رو را نیز که مبتنی بر اقدم و اصح نسخه شناخته شده از زاد آخرت است، یعنی نسخهٔ شمارهٔ ۲۸۶ کتابخانهٔ ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.) به دست داده‌اند.

۴-۱. خطاهای مصصح

الف) بدخوانی‌ها:

چاپ اورنگ	نسخهٔ شمارهٔ ۵۵۵۲ مجلس شورای اسلامی	تصحیح پیش رو
پس هر دو دست پاک‌تر بکن (ص ۱۲)	پس هر دو دست ^۱ تر بکن (۱۴ پ)	پس هر دو دست را تر کن (ص ۱۶)
پس پای راست بشوی تا میان ساق یا به هرجای که آب برسد سرایهٔ در بهشت تا به آنجا برسد (ص ۱۲)	پس پای راست بشوی تا میان ساق یا به هرجای که آب برسد پیرایهٔ ^۲ در بهشت تا به آنجا برسد (۱۵ ر)	پس پای راست بشوی تا نیمهٔ ساق که هر جای که آب برسد، پیرایه تا آنجا برسد در بهشت (ص ۲۲)

۱. در نسخه در این موضع کلمهٔ «پاک» نوشته شده بوده اما کاتب متوجه اشتباه خود شده و آن را تراشیده، با این حال اورنگ آن را در متن آورده است.

۲. «پیرایه» در دست‌نویس کمی نامأنوس نوشته شده اما در *بدایه‌الهدایه* که مصصح مدعی شده در موارد ابهام بدان مراجعه می‌کرده، در برابر این کلمه «حلیه» آمده است. اورنگ دربارهٔ آن در پاورقی تنها این جمله را نوشته است: «خوب روشن نیست».